



An interpretative study of the Quranic evidence of the possibility of the Prophet (PBUH) being enchanted

Mohammad Dardari^{a*}, Mohammad Hadi Amin Naji^b

^a PhD student of the Quran and Hadith Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran

^b Associate Professor of Quran and Hadith Sciences Department, Payam Noor university of Tehran, Iran

KEYWORDS

Enchant,
Prophet (pbuh),
interpretive review,
Quran,
infallibility

Received: 04 Juliy 2022;
Accepted: 27 December 2022

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.28212754.1401.1.1.8.4

ABSTRACT

The existence of narrations with the theme of the Prophet (PBUH) being bewitched by a Jewish person named Labid bin Asim, a Jew, one of the allies of Banu Zariq, in sources such as Sahih Bukhari and Muslim, as well as the books of commentary on the revelations of the Mu'awdhin, has caused various opinions in this regard. By establishing the infallibility of the prophets, Shia scholars and some Sunni scholars such as Jisas, Sayyid Qutb, etc. rejected these traditions and considered them to be against the Qur'an and infallibility, and denied that the Prophet (PBUH) was bewitched, and some explained Traditions have accepted the dawning of Muhammad Mustafa (pbuh), but not in an absolute way, but in a limited way and only in the area of the effect on the body and limbs and not on the mind and soul. In this research, without considering the issue of occurrence or non-occurrence, the Qur'anic evidence cited by the two groups in favor and against the Prophet's (PBUH) witchcraft was analyzed in an analytical-descriptive method with the aim of determining the possibility of the Prophet (PBUH) witchcraft. And the points of commonality and difference of views have been discussed. Regarding the infallibility of the mind and soul of the Prophet (PBUH), there is a consensus between the two groups. The opposing group, citing Quranic evidence, rejected the bewitchment of the Prophet (PBUH) and listed corruptions in its acceptance, which include: confusion between revelation and imagination, loss of authenticity of the Qur'an and prophetic hadiths, and the group in favor of grading They have accepted the infallibility of the Prophet (PBUH) only in the realm of the body and mind (and not the mind and soul).

*Corresponding Author,
Email: dardari_m@student.pnu.ac.ir
2023 Published by Arak University Press. All rights reserved.





بررسی تفسیری ادله قرآنی امکان سحر شدن پیامبر (ص)

محمد دردری^{الف*}، محمد هادی امین ناجی^ب

^{الف} دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، تهران، ایران

^ب دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
مسحور شدن پیامبر (ص)، بررسی تفسیری، قرآن، عصمت	وجود روایات با مضمون مسحور شدن پیامبر (ص) توسط فردی یهودی به نام لبید بن اعصم یهودی از هم پیمانان بنی زریق، در منابع روایی مانند صحیح بخاری و مسلم و همچنین کتب تفسیر در شان نزول معوذتین، سبب بروز نظرات مختلف در این زمینه شده که با مبنی قرار دادن عصمت انبیا، علمای شیعه و برخی از اهل سنت مانند جصاص، سید قطب و ... این روایات را رد و آن را مخالف قرآن و عصمت دانسته و منکر مسحور شدن پیامبر (ص) شده و برخی با شرح و تاویل روایات، سحر شدن محمد مصطفی (ص) را پذیرفته اند اما نه به صورت مطلق بلکه به صورت محدود و صرفاً در حیطه تاثیر بر جسم و اندام و نه عقل و روح. در این پژوهش، بدون در نظر گرفتن مبحث وقوع یا عدم وقوع آن، ادله قرآنی مورد استناد دو گروه موافق و مخالف سحر شدن پیامبر (ص) به روش تحلیلی - توصیفی با هدف مشخص نمودن امکان سحر شدن پیامبر (ص) مورد بررسی قرار گرفته و به نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه ها پرداخته شده است. در مورد عصمت عقل و روان پیامبر (ص) میان دو گروه اتفاق نظر و اجماع وجود دارد. گروه مخالف با استناد به ادله قرآنی، مسحور شدن نبی (ص) را رد کرده و مفسادی را در پذیرش آن بر شمرده اند که عبارتند از: خلط میان وحی و خیال، از بین رفتن اصالت قرآن و احادیث نبوی و گروه موافق با درجه بندی عصمت، سحر شدن پیامبر (ص) را صرفاً در حیطه بدنی و جسمی (و نه عقل و روان) پذیرفته اند.

۱. مقدمه

در منابع نقل شده که پس از بازگشت پیامبر (ص) از حدیبیه، محرم سال هفتم هجری جمعی از روسای یهودی نزد لبید بن اعصم که یکی از هم پیمانان بنی زریق (جزو خزرج از قبایل مدینه) بود، آمده و ضمن اعتراف در ناتوانی خود در سحر کردن پیامبر (ص) از او که ساحری توانمند بود، خواستند که در مقابل ۳ دینار اقدام به سحر علیه پیامبر (ص) نماید. (العسقلانی، ۱۴۳۱، ج ۱۰ ص ۲۲۶)

در شان نزول سوره های معوذتین در کتب تفسیر و همچنین در صحیح بخاری و مسلم روایت هایی مانند روایت ذیل نقل شده است:

در صحیح بخاری ذیل باب صفه ابلیس و جنوده و در صحیح مسلم باب السحر به نقل از عایشه آمده: **سُحِرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حَتَّى كَانَ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ أَنَّهُ يَفْعَلُ الشَّيْءَ وَمَا يَفْعَلُهُ، حَتَّى كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ دَعَا وَدَعَا، ثُمَّ قَالَ: "أَشْعَرْتُ أَنْ**

اللَّهُ أَفْتَانِي فِيمَا فِيهِ شِفَائِي، أَتَانِي رَجُلَانِ: فَقَعَدَ أَحَدُهُمَا عِنْدَ رَأْسِي وَالْآخَرُ عِنْدَ رِجْلِي، فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِلْآخَرِ مَا وَجَعَ الرَّجُلِ؟ قَالَ: مَطْبُوبٌ، قَالَ: وَمَنْ طَبَّهُ؟ قَالَ لَبِيدُ بْنُ الْأَعْصَمِ، قَالَ: فِيمَا ذَا، قَالَ: فِي مُشْطٍ وَمُشَاقَّةٍ وَجُفٍّ طُلْعَةٍ ذَكَرٍ، قَالَ فَأَيْنَ هُوَ؟ قَالَ: فِي بَيْتِ دَرْوَانَ...

عایشه می‌گوید: نبی اکرم (ص) را سحر کردند طوری که کاری را که انجام نداده بود، خیال می‌کرد انجام داده است. تا اینکه روزی بسیار دعا کرد و سپس، فرمود: «آیا می‌دانی که خداوند، راه علاج مرا به من نشان داد؟ دو مرد، نزد من آمدند. یکی از آنان بر بالینم و دیگری، کنار پاهایم نشست. پس، یکی از آنها به دیگری گفت: درد این مرد چیست؟ دومی گفت: سحر شده است. پرسید: چه کسی او را سحر کرده است؟ گفت: لبید بن اعصم. پرسید: بوسیله چه چیزی سحر شده است؟ گفت: بوسیله شانه، پس مانده الیاف کتان و پوست شکوفه خرما می‌نر. پرسید: کجا هستند؟ گفت: در چاه ذروان». (البخاری، ۱۴۲۲، ج ۴ ص ۱۲۲) (مسلم، ۱۴۳۱، ج ۴ ص ۱۷۱۹)

اکثر دانشمندان و مفسران شیعه مسحور شدن پیامبر (ص) را نپذیرفته و آن را مخالف قرآن، عصمت انبیاء و شخصیت آن حضرت دانسته و داستان سحرالنبی را رد کرده اند. علامه مجلسی نظریه مشهور بین امامیه را عدم تأثیرگذاری سحر بر انبیاء و امامان می‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸ ص ۷۰) اما اهل سنت در این خصوص به دو گروه تقسیم شده اند گروه اول که اکثریت را تشکیل می‌دهند مسحور شدن پیامبر (ص) را پذیرفته اند و در مقابل گروهی دیگر مانند جصاص، عبدالکریم خطیب، شیخ محمد عبده، احمد مصطفی مراغی، سید قطب، محمد جمال الدین قاسمی، محمد هدایه و دکتر ابراهیم الخولی با استناد به برخی آیات قرآن، مخالفت با عصمت و تنزیه مقام نبوت، مکی بودن سوره معوذتین، عدم اخذ عقاید با خبر واحد و ...، منکر سحر شدن پیامبر (ص) شده اند. این مقاله پژوهشی به بررسی امکان تأثیر سحر بر پیامبر (ص) و مقایسه ادله قرآنی هر دو گروه فارغ از بحث وقوع یا عدم وقوع آن پرداخته تا مبنایی باشد برای بررسی سایر ادله روایی، عقلی و نهایتاً رسیدن به حداقل اختلاف و چه بسا در این امر اجماع صورت بگیرد.

۱.۱. پژوهش‌های مرتبط در این زمینه عبارتند از:

۱- بررسی تطبیقی تأثیر سحر بر پیامبر اسلام (ص) در صحیح بخاری و صحیح مسلم با توجه به شان نزول معوذتین نوشته دکتر سید حسین سید موسوی، دکتر سید محمد مرتضوی، سید حمزه عبدالله زاده. در این مقاله نگارنده به نقل روایات در باب شان نزول معوذتین، اختلاف موجود در باب مکی یا مدنی بودن معوذتین پرداخته و دیدگاه مفسرین در این باب مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- بررسی آرای متکلمان فریقین درباره سحر شدن پیامبر (ص) نوشته سید حمزه عبدالله زاده، سید حسین موسوی، سید محمد مرتضوی. محور این مقاله پس از بیان نظرات مختلف در باب سحرالنبی (ص) (چه موافق و چه مخالف) روایات موجود در این باب را از نظر وجود تعارض و بررسی سندی انجام داده است.

۳- تحلیل انتقادی آرای گابریل مندل خان درباره مسحور شدن پیامبر (ص) نوشته احترام رستمی و حسن رضایی هفتادار.

در این مقاله پس از معرفی گابریل مندل خان، نظرات او را در باب سحرالنبی (ص) بیان و ضمن اشاره به تعارض اخبار، مکی یا مدنی بودن معوذتین، از نظر عقلی و نقلی و لغوی نقد نموده است.

۴- ردود اهل العلم علی الطاعنین فی حدیث السحر و بیان بعد محمد رشید رضا عن السلفیه نوشته ابو عبدالرحمن مقبل بن هادی الوادعی که به پاسخ کسانی پرداخته که طعن در روایت صحیحین وارد کرده اند. نگارنده در این کتاب دیدگاه های محمد رشید رضا در تفسیر برخی از آیات قرآن نقد کرده و به بحث جرح و تعدیل روات پرداخته و پس از بررسی رجالی سند روایات سحر النبی (ص) پرداخته و با نقل شاهد برای روایات موجود، روایت سحر را شرح داده است.

۵- حدیث السحر فی المیزان نوشته دکتر سعد المرصفی به معرفی سحر و بررسی روایات و درمان سحر پرداخته است. این کتاب ۳ فصل داشته که فصل اول به مفهوم سحر پرداخته و در فصل دوم روایت سحر النبی شرح و بررسی کرده و تلاش داشته به نقد موجود در این زمینه پاسخ دهد و فصل سوم به درمان سحر اختصاص داده است.

در هیچ یک از موارد فوق به صورت اختصاصی به بررسی و مقایسه مستندات قرآنی دو گروه پرداخته نشده که این مهم موضوع مود بحث در این مقاله است.

۲. بحث و بررسی

۲.۱. واژه شناسی سحر

شافعی سحر را واژه ای دانسته که معانی متعددی را در خود جمع کرده است (زکریا، ۱۴۲۱، ص ۴۷۹) از جمله معانی آن عبارتند از:

الف: خداع و فریب و تخیل که حقیقت نداشته باشد، یاری جستن از شیطان بواسطه تقرب به او، به کار بردن الفاظی که گوینده ادعا داشته باشد دارای قدرت ایجاد تغییر در شکل و طبع است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۱)

ب: ریشه سحر سه اصل جدا گانه دارند که عبارتند از: عضوی از اعضای بدن، خدعه و نیرنگ سوم وقت و زمان است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳ ص ۱۳۸)

برای این واژه ماده يك اصل وجود داد و آن منصرف ساختن چشم و قلب از ظاهرو واقعیت، به خلاف آن است که حقیقت ندارد.» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۶۷)

۲.۲. تعریف اصطلاحی سحر

در اصطلاح سحر عبارت است از طلسم ها و گره هایی که روی بدن و قلب تاثیر می گذارد و سبب بیماری، مرگ، جدایی میان زن و شوهر و ... می گردد، تعریف کرده است. (ابن قدامه، ۱۴۱۴ق، ج ۴ ص ۶۴)

در تعریفی دیگر، سحر نوعی اعمال خارق العاده است که آثاری از خود در وجود انسانها به جا می گذارد و گاهی يك نوع چشم بندی و تردستی است، و گاه تنها جنبه روانی و خیالی دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱ ص ۳۷۷)

دو تعریف فوق بسیار به هم نزدیک است. انجام اعمال خارق العاده توسط یک فرد به عنوان ساحر و تاثیر بر انسان ها به صورت های مختلف دو نقطه مشترک دو تعریف اصطلاحی فوق است.

فخر رازی، علامه مجلسی و آیت الله خویی انواع سحر را به ۸ نوع تقسیم کرده که عبارتند از:

الف: سحر کلدانی ها و کسدانی ها که ستاره پرست بوده و اعتقاد داشتند که کواکب و سیارات عهده دار تدبیر امور جهان هستند و خیر و شر و سعادت و شقاوت از آن هاست و خداوند ابراهیم (ع) بر آن ها مبعوث کرد.

ب: تاثیر انگیزه و قدرت روان و روحیه در عملکرد انسان است که منجر به بهره گیری از حداکثر توان و قدرت فرد شده

و باعث انجام اعمال شگفت انگیز می شود.

ج: استعانت از ارواح زمینی (جن)

د: سحر تخییل

ه: انجام کارهای عجیب با به کارگیری ابزار مهندسی طراحی شده

ز: بکارگیری ادویه و داروها

ح: تعلیق قلب، بدین شکل که فرد ادعا کند جن در اختیار او هستند و افراد ساده لوح و زود باور تحت تاثیر او قرار گیرند.

ط: نیمه و سخن چینی (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳ ص ۶۱۹) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۹ ص ۲۸۸) (خویی، ۱۳۷۷، ج ۱ ص ۴۵۲) در بررسی انواع سحر می بینیم که فخر رازی و سایر علما، با بهره گیری از معنای لغوی، معانی متعددی بر شمرده اند که همه آنها را می توان در تعریف اصطلاحی سحر جای داد اما در معنای جزئی تر سحر، تخییل و تاثیر بر قدرت بینایی مد نظر می باشد.

۳.۲. سحر در قرآن

واژه سحر با مشتقات آن ۶۰ بار در قرآن تکرار شده که می توان آیات آن ها را در دو گروه دسته بندی کرد:

الف: آیاتی که مضمون آن اتهام مشرکین و کفار به انبیا مبنی بر ساحر بودن یا سحر شدن، و یا موارد دیگر است که ۳۷ مورد در آیات ذکر شده است. مانند آیه أَ كَانِ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ (یونس، ۲)

آیا برای مردم شگفت آور است که بر مردی از خودشان وحی فرستادیم که مردم را [از عاقبت کفر، ناسپاسی، گناه و تجاوز] بیم ده، و به کسانی که ایمان آورده اند مژده ده که آنان را نزد پروردگارشان سابقه ای نیک [و مقام، مرتبه ای بلند و پاداشی شایسته] است. کافران [لجوج و بی منطق] گفتند: همانا این مرد، جادوگری آشکار است!!

ب: آیاتی که مضمون آن سحر ساحران است که تعداد آن ۲۳ مورد است. بیشتر این آیات مربوط به داستان موسی (ع) و فرعون است. فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَنَا أَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (الشعراء، 41)

پس هنگامی که جادوگران آمدند، به فرعون گفتند: آیا اگر ما پیروز شویم، حتماً برای ما پاداشی شایسته خواهد بود؟ در تقسیم بندی دیگر واژه سحر در قرآن بر ۵ معنا آمده که عبارتند از: ۱- علم مانند آیه وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ (الزخرف، ۴۹) که در این آیه معنای ساحر، عالم است. ۲- دروغ مانند آیه ... وَ اسْتَزْهَبُوهُمْ وَ جَاؤُ بِسِحْرِ عَظِيمٍ (الأعراف، ۱۱۶) ۳- سحر کردن چشم (الاحذ بالعین) مانند آیه قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ ... (الأعراف، ۱۱۶) ۴- دیوانه و مجنون مانند آیه ... وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا (الفرقان، ۸) ۵- الصرف عن الحق مانند آیه سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنِّي تُسْحَرُونَ (المؤمنون، ۸۹) (الدامغانی، ۱۳۹۸، ۱۶۰)

از معانی ۵ گانه فوق، مورد ۳ و ۴ مورد بحث در این مقاله است.

۴.۲. ادله مخالفین مسحور شدن پیامبر (ص)

سحر شدن پیامبر (ص) که در منابع حدیثی و تفاسیر اهل سنت نقل شده است موضوعی است که مورد پذیرش علمای

شیعه و برخی از علمای اهل سنت قرار نگرفته است. مخالفان با استناد به ۴ دلیل، امکان تاثیر سحر بر پیامبر (ص) را نفی می کنند که عبارتند از:

۲.۴.۱. عصمت

لغت شناسان برای واژه عصمت معانی متعددی را بیان می کنند: نگارنده مقایس اللغة عصمت، را حفظ بنده از بدی و شر توسط خداوند، تعریف کرده است. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۴ ص ۳۳۱)

عصمت در قرآن به معانی مختلفی آمده است که عبارتند از: ۱- در آیاتی واژه عصمت و مشتقاتش به معنای توسل، تمسک، چنگ زدن و نگهداری آمده است: وَ اِغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا ... (آل عمران، ۱۰۳) ۲- به معنای حفظ و منع استعمال شده است: ... وَ اللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ ... (المائدة، ۶۷) به معنی حفظ و منع توسط خداوند، ... وَ لَقَدْ رَاودَتْهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ ... (یوسف، ۳۲) به معنی خود را حفظ کرد، قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِيكَ مِنَ اللَّهِ ... (الأحزاب، ۱۷) به معنی حفظ در مقابل اراده الله.

نا گفته پیداست که همه معانی عصمت که در قرآن آمده مورد نظر نیست بلکه تنها عصمت به معنی حفظ و منع توسط خداوند است که در بحث حاضر کاربرد دارد.

مبحث عصمت از دیر باز مورد توجه علمای فرقه های اسلامی بوده است. در وجود عصمت اجماع وجود دارد اما مساله زمان آغاز عصمت و ابعاد گوناگون عصمت از موارد اختلافی میان فرقه های مختلف اسلامی است. از آیات حاکی از مخلص بودن پیامبران مانند آیه ۴۶ و ۴۷ ص، اصطفای انبیا مانند ۷۵ الحج، وجوب اطاعت از انبیا مانند آیه ۶۴ النساء عصمت قابل برداشت است اما آیه ... وَ اللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ ... (المائدة، ۶۷) عصمت به معنی یمنعك من أن ينالوك بسوء (الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳ ص ۳۴۴) و آیه وَ اِصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ... (الطور، ۴۸) با صراحت عصمت رسول الله (ص) را بیان کرده است و بر همین مبنا نگارنده تفسیر المراغی گفته که بر ما واجب است که اعتقاد داشته باشیم بر اساس قرآن که با تواتر به دست ما رسیده سحر شدن پیامبر (ص) را نفی کرده است. (المراغی، ۱۳۶۵، ج ۳۰ ص ۳۶۸)

مخالفان سحر شدن پیامبر (ص) معتقدند آن حضرت در جریان مسحور شدنش (بر اساس روایات)، هم در تشخیص حکم شرعی یعنی سحر و هم در امور شخصی و عادی زندگی گرفتار خطا شده است که با عصمت حضرت منافات دارد. از این جهت عصمت وی زیر سوال می رود. روایاتی که درباره مسحور شدن پیامبر (ص) آمده بیانگر تاثیر سحر فقط بر جسم حضرت نیستند بلکه نشان می دهند که سحر بر روح و روان آن حضرت نیز تاثیر گذاشته است، تاثیری که خلاف عصمت پیامبر (ص) است. (عبدالله زاده، ۱۳۹۸، ۲۶۱)

محمد جواد مغنیه در تفسیر کاشف می گوید: این روایت هم از لحاظ عقلی و هم از لحاظ شرعی نمی توان پذیرفت، از آنجایی که پیامبر (ص) معصوم است و جز از طریق وحی سخن نمی گوید، عقلاً نمی توان پذیرفت که تحت تاثیر سحر قرار گرفته باشد و از منظر شرعی بدین دلیل اینکه خداوند سحر و ساحران را تکذیب کرده است، پذیرش مساله سحر پیامبر (ص) امکان پذیر نیست. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۸ ص ۲۰۲)

از سوی دیگر طبق آیه وَ اِصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (الطور، ۴۸) و در برابر حکم پروردگار شکیبایی کن که تو زیر نظر و مراقبت ما هستی، و هنگامی که [از خواب] برمی خیزی پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی. جمله "فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا" تعبیر بسیار لطیفی است که هم حاکی از علم و آگاهی پروردگار، و

هم مشمول حمایت کامل و لطف او است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲ ص ۴۶۷) خداوند در این آیه به پیامبر (ص) می‌فرماید که ما تو را تحت نظر داریم و اعمال تو را نظاره گر هستیم بر تو احاطه داریم و تو را حفظ می‌کنیم و آزاری از سوی آنان به تو نخواهد رسید. (المراغی، ۱۳۶۵، ج ۲۷ ص ۳۸)

جمال الدین قاسمی در تفسیر محاسن التاویل، تفسیر ابن عاشور، آیت الله محمدرضا آدینه وند، سید کاظم ارفع، حسین انصاریان، سید مهدی حجتی "بِأَعْيُنِنَا" را عنایت و حفظ تعبیر کردند پس نتیجه پذیرش سحر شدن پیامبر برابر است با از بین رفتن اصالت قرآن و احادیث نبوی و خلط میان وحی و خیال است.

۲.۴.۲. عدم تداوم و پایداری سحر

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (یونس، ۸۱) پس هنگامی که ساحران فرعون، طناب‌ها و چوب‌هایشان را افکندند، موسی گفت: آنچه را در این صحنه آوردید، سحر است؛ مسلماً خدا آن را به زودی باطل می‌کند، قطعاً خدا، کار مفسدان را [که برای تقویت طاغیان انجام می‌دهند] به سامان نمی‌آورد. علامه در مورد این آیه توضیح داده که خداوند علاوه بر این آیه در جاهای مختلف من جمله ۲۵۸ البقره، ۱۰۸ المائده و ۲۸ غافر، اعلام کرده که سحر و هر باطلی دوام و پایداری نخواهد داشت. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰ ص ۱۱۰) خداوند در این آیه نشان داده است که همانگونه که سحر در زمان موسی بواسطه معجزه موسی (عصا) باطل شد، قرآن در عصر نزول و بعد از آن مبطل انواع سحر بوده و هست و در هر زمینه بر متحدی غلبه نموده است. از نظر نگارنده تفسیر الفرقان (بدون اشاره به مستند و دلیل علمی یا شرعی) قرائت ۱۰۰ آیه از قرآن را مبطل هر نوع سحر دانسته و بیان داشته که این امر به تجربه ثابت شده است. بهره مندی از قرآن برای ابطال سحر مختص پیامبر (ص) و معصومین (ع) نیست بلکه هر مسلمان و مومن می‌تواند از آن بهره ببرد. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۴ ص ۱۴۱) ذکر این نکته لازم است در این استدلال، به ابطال سحر اشاره شده که بعد از انجام عمل سحر و اثر سحر رخ می‌دهد و آیه اشاره ای به تاثیر پیشگیرانه در مقابل سحر ندارد.

۲.۴.۳. نسبت ناروا و ایدای پیامبر

مشرکان و منافقان در طول حیات مبارک پیامبر (ص) از هر کوششی برای جلوگیری از گسترش اسلام دریغ نمی‌کردند یکی از آن روش‌ها اتهام ناروا و ایدای لسانی بود که این موضوع در آیه قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْدِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بَيِّنَاتٍ بِاللَّهِ يَجْحَدُونَ (الأنعام، ۳۳) و همچنین آیات ۶۵ یونس، ۹۷ الحجر و ۷۶ یس بیان شده است. البته این اتهام و آزار لسانی بدون وعید نبوده و قرآن عاقبت آن هم مشخص کرده است:

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا (الأحزاب، ۵۷) قطعاً آنان که خدا و پیامبرش را می‌آزارند، خدا در دنیا و آخرت لعنتشان می‌کند، و برای آنان عذابی خوارکننده آماده کرده است. خداوند منزله از آن است که مورد اذیت واقع شود. در این آیه قرار گرفتن نام پیامبر در کنار خداوند علاوه بر تشریف پیامبر بیان داشته که هرکس قصد آزار پیامبر داشته باشد در واقع قصد خداوند کرده پس مستحق لعن و نفرین در دنیا و آخرت است (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۱۶ ص ۳۳۸)

با توجه به مطالب فوق نمی توان ادعای اسلام و ایمان و محبت رسول (ص) داشت و هم زمان به مانند روش کفار و مشرکین مبنی بر ایدای زبانی، مسحور شدن آن حضرت را پذیرفت، لذا این دو قابل جمع نیست و تکرار روایات موجود در این باب ادامه الصاق نسبت های ناروا به پیامبر (ص) است و ناراحتی پیامبر (ص) در پی دارد.

۴.۴.۲. تصدیق کفار و مشرکین

طبق آیه های *أَوْ يُقْلَىٰ إِلَيْهِ كَثْرًا أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا* وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (الفرقان، ۸) *أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا* (الفرقان، ۹) یا [چرا] گنجی به سوی او افکنده نمی شود؟ یا باغی برای او نمی باشد که از [میوه های] آن بهره مند شود؟ و ستمکاران گفتند: [ای مردم!] شما جز مردی سحر شده را پیروی نمی کنید!! (۸) بنگر که چگونه [و برپایه چه امور نامعقولی] اوصافی برای تو بیان کردند، پس [به سبب لجاجت، تکبر، دشمنی و تعصب] گمراه شدند و نمی توانند راهی [به سوی حق] بیابند. (۹) و همچنین آیه های *نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَشْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ* وَ إِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (الإسراء، ۴۷) *أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا* (الإسراء، ۴۸) هنگامی که [وقت قرآن خواندن] به تو گوش می دهند، ما به هدفی که برای آن گوش می دهند داناتریم، و نیز هنگامی که رازگویی می کنند [به کارشان آگاه تریم] آن زمان که [آن] ستم گران [به یکدیگر] می گویند: شما [اگر از او پیروی کنید] جز از مردی سحر شده پیروی نمی کنید. (۴۷) بنگر چگونه تو را به صفاتی وصف می کنند در نتیجه گمراه شدند، بنابراین قدرت ندارند راهی [به سوی هدایت] یابند. (۴۸) کسانی که مدعی شدند محمد (ص) بواسطه سحر برخی از ساحران خیال می کرد که پیامبر است و وحی توسط فرشته بر او نازل شده است گمراه شدند و قادر نیستند که به راه حق باز گردند. (الطباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۵ ص ۱۸۵) نگارنده تفسیر الفرقان به شدت به بخاری و مسلم تاخته و گفته: از ظالمان در حق این رسالت والا کسی است که در صحیح خود بابتی آورده است که در آن روایت شده که پیامبر (ص) مسحور شده است. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱ ص ۲۷۶) از نظر او قول مسحور شدن رسول الله (ص) قولی است فرعونی و توهین به رسالت محمدی. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳۰ ص ۵۴۰)

در آیه فوق پس از *إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا* واژه *الْأَمْثَالَ* آمده است. مشرکین گاهی پیامبر (ص) را ساحر، گاهی مجنون، گاهی کاهن و کذاب، شاعر و... وصف می کردند و از هر بهتان و افترا بی دریغ نکردند و هدف آن ها از بین بردن اصالت نبوت و دور کردن مردم از اطراف آن حضرت بود به همین دلیل ظالم، گمراه شدند به نحوی که راه حقیقت را پیدا نکردند. این آیه نفی مسحور شدن پیامبر (ص) در امر رسالت در بر دارد.

۵.۲. ادله موافقان مسحور شدن پیامبر (ص)

موافقان مسحور شدن پیامبر (ص) با استناد به ۲ دلیل موضع خود را روشن نموده اند که عبارتند از: مقایسه ویژگی انبیا و شرح و توجیه دلایل مخالفان.

۱.۵.۲. مقایسه ویژگی انبیا

حضرت موسی (ع) و حضرت محمد (ص) در دو مسئله با هم شریک هستند که عبارتند از:

الف- هر دو از پیامبران اولوالعزم هستند.

ب- رسول اکرم(ص) تحت نظر و عنایت خداوند بودند(... فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ... (الطور، ۴۸)) قرآن اذعان داشته که موسی(ع) هم تحت نظر و عنایت خداوند بودند(... لِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي (طه، ۳۹) و آیه ... إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى (طه، ۴۶))

حال به قسمتی از اتفاقات رخ داده شده در ماجرای رویارویی موسی(ع) با جمع ساحران فرعون می پردازیم:

قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَ اسْتَرْهَبُوهُمْ وَ جَاءُ بِسِحْرِ عَزِيمٍ (الأعراف، ۱۱۶) [موسی] گفت: شما ببیندازید. هنگامی که ساحران فرعون طناب ها و عصاهایشان را انداختند، چشم های مردم را سحر کرده و آنان را سخت ترساندند، و سحری بزرگ و شگفت آور به میان آوردند. در این آیه خداوند با واژه عظیم سحر ساحران را توصیف کرده است. سحری که چشمان مردم را هدف قرار داده است. و موجب ترس و هراس مردم حاضر در صحنه شد. اکنون این سوال پیش می آید آیا موسی تحت تاثیر آن سحر قرار گرفت یا خیر؟ پاسخ آن در آیه قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبالُهُمْ وَ عَصِيَّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى (طه، ۶۶) فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى (طه، ۶۷) گفت: بلکه شما بیفکنید. پس [چون افکندند] ناگهان ریسمان ها و چوب دستی هایشان بر اثر سحرشان در خیال چنان وانمود شد که با سرعت به راه افتادند. (۶۶) پس موسی در دلش ترسی احساس کرد. (۶۷). بیان شده است. موسی(ع) در دل و نهان خود احساس ترس کرد. علت ترس، تعداد ساحران یا تجمع مردم و یا فرعون و لشکریانش نبود بلکه علت آن بزرگی سحر ساحران بود که به خیالش آمد که چوب ها و طناب ها در حال حرکت و جنبش هستند.

در آیه واژه يُخَيَّلُ إِلَيْهِ به کار رفته است و دقیقاً همان لفظ در روایت بخاری و مسلم آمده است. قاضی عیاض بیان داشته که هر جایی از روایات که واژه يُخَيَّلُ إِلَيْهِ به کار رفته بر تخیل با چشم حمل می گردد نه خلل و نقص در عقل و این نقص و اشکال در رسالت ایجاد نمی کند. (النووی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۴ ص ۱۷۵) طبق آیات قرآن آنچه به خیال موسی آمده بود، همان بود که به خیال مردم آمده بود (الأعراف ۱۱۶) و این امر منجر به ترس موسی گردید. البته گفته شده که علت ترس موسی این بود که بیم داشت مردم توان تشخیص سحر از معجزه نداشته باشند که این بر خلاف آیه ۳۵ القصص است و نیز گفته شده ترس موسی ناشی از ترس از پراکندگی مردم و عدم مشاهده معجزه بود که این نظر بر خلاف ظاهر آیه است و آنچه ساحران فرعون انجام داده بودند سحر بود و خداوند عظیم بودن آن را به صراحت بیان کرده است. (الطباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴ ص ۱۷۷، ۱۷۸)

با توجه به مطالب ذکر شده نمی توان امکان سحر شدن پیامبر(ص) را به نحوی که صرفاً بر بدن آن حضرت تاثیر گذارد، نفی کرد.

ابطال سحر با وحی الهی توسط معجزه موسی رخ داد وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (الأعراف، ۱۱۷) فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (الأعراف، ۱۱۸) و به موسی وحی کردیم: عصایت را ببنداز. ناگهان آنچه را ساحران به دروغ بافته بودند، به سرعت بلعید! (۱۱۷) پس حق ثابت شد و آنچه را همواره ساحران [به عنوان سحر] انجام می دادند، باطل و پوچ گشت. (۱۱۸) ابطال سحر النبی نیز بواسطه معجزه رسول الله(ص) یعنی قرآن کریم صورت پذیرفت.

۲.۵.۲. شرح و توجیه دلایل مخالفان

عصمت: از نظر این گروه مبنای مخالفان سحر شدن پیامبر (ص) بر مبنای نادرست استوار است. پیامبر (ص) قبل از اینکه پیام رسان الهی باشد، انسان است و قوانین حاکم بر جهان که به وحی و رسالت ارتباط نداشته باشد، بر او ساری و جاری است.

از جمله ویژگی خاص انبیاء، کمال عقل و معصوم بودن از کفر، شرک و تسلط شیطان بر آنان است که این شرط (عصمت) از ضروریات نبوت است. (الشربینی، ۱۴۳۱، ص ۷۷) پیامبر (ص) هم از نظر عقلی معصوم است و هم از نظر جسمی. منظور از عصمت جسمی، محفوظ ماندن از قتل است (روسای قبایل مکه روز هجرت، غوث بن حارث، عمیر بن وهب، سراقه بن مالک و زن یهودی در خیبر از جمله کسانی بودند که نقشه ترور و قتل آن حضرت داشتند ولی موفق نشدند) اما در مقابل بیماری ها و آسیب های جسمی و بدنی معصوم نبوده زیرا که همه پیامبران از جنس بشر هستند و بیماری، تغییرات جسمی، درد و ... آن ها را در بر می گیرد. (همان ص ۱۲۹) از نظر قاضی عیاض، روایات تاثیر سحر بر پیامبر (ص) نشانگر این است که سحر دشمنان بر بدن و جسم پیامبر اثر گذاشته و نه عقل و دل و اعتقاد. (النووی، ۱۳۹۲ ق، ج ۱۴ ص ۱۷۵) از نظر علامه دلیلی بر مصونیت پیامبر (ص) از سحری که باعث ایجاد بیماری جسمی گردد وجود ندارد. (الطباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲۰ ص ۳۹۴)

سیرت نبوی نشانگر آن است که آن بزرگوار به دفعات متعدد دچار آسیب بدنی شدند که شرح آن در کتب تاریخ در دوران مکی، سفر به طائف، جنگ احد ذکر شده است.

پایداری و دوام سحر: فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَابِقُ الْعَمَلِ الْفَاسِدِينَ (یونس، ۸۱) پس هنگامی که افکندند، موسی گفت: آنچه را در این صحنه آوردید، سحر است؛ مسلماً خدا آن را به زودی باطل می کند، قطعاً خدا، کار مفسدان را [که برای تقویت طاغیان انجام می دهند] به سامان نمی آورد. این آیه تاثیر گذاری سحر را نفی نمی کند بلکه منظور از آیه این است که آن سحری که شما انجام داده و نمایان کرده اید خداوند آن را به واسطه معجزه بزرگتر و فراتر از هر سحر و جادو، نابود کرده و بطلان آن را به مردم نشان می دهد. در جمله إِنَّ اللَّهَ لَا يُضْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ بیان کرده که به اراده خداوند کار مفسدان را شایسته تثبیت، تقویت و ماندگاری نیست. (الزحیلی، ۱۴۳۱، ج ۱۱ ص ۲۴۱)

ایذای پیامبر (ص): روایت وارده در این باب گزارشی است که حکایت از یک واقعه تاریخی دارد و نشان دهنده این است که دشمنان به هر وسیله ای متمسک بودند تا به اسلام ضربه زده و مانع گسترش آن شوند، هیچ اسائه ادب و ایذاء در بر ندارد بر خلاف قول مشرکین که هدف آنها علاوه بر استهزای پیامبر (ص)، صد عن سبیل الله بود. دلیلی بر اینکه پیامبر (ص) از این گفته که به واسطه فردی یهودی مسحور و بیمار شده، آزرده می شدند، وجود ندارد لذا نمی توان آن را مشمول آیه ۵۷ الاحزاب دانست.

تصدیق کفار و مشرکین: اینکه گفته شود پذیرش سحر شدن پیامبر (ص) طبق آیات ۴۷ و ۴۸ الاسراء و ۸ و ۹ الفرقان، تصدیق مشرکین است و باعث از بین رفتن اعتماد به وحی و رسالت می شود، جمله درستی نیست، کفار می گفتند که این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازار راه می رود (۷ الفرقان) و گفته های مختلفی در مورد پیامبر (ص) بیان می کردند آیا می توان به فقط برای اینکه گوینده کافر است، حرفش را رد کرد و گفتارش را تایید نکنیم؟ هیچ کس این را نمی پذیرد، بلکه صرف نظر از اینکه گوینده چه کسی است، حق را باید تصدیق کرد و کذب را تکذیب. منظور از آیه این است که ظالمین صفاتی را با هدف عیبجویی به رسالت و صداقت انبیا نسبت می دادند. اگر آن صفت در پیامبر وجود

داشته باشد دیگر قدح به حساب نمی آید. آن هایی که سحر شدن پیامبر را رد می کنند فکر می کنند که تایید سحر، قدح در رسالت است لذا باید آن را تکذیب کرد. در واقع مسحور دانستن پیامبر (ص) توسط کفار به این معنی بود که او هر چه می گوید و انجام میدهد ناشی از تصور و جنون است و او پیامبر نیست و قرآن از جانب الله نازل نشده است. اینگونه نیست که اگر ما روایت موجود در این زمینه را بپذیریم به تایید مشرکین پرداختیم، بلکه منظور ما این است که سحر مدت اندکی بر (بدن) رسول خدا (ص) تاثیر گذاشت اما نه به نحوی که رسالت و عصمت ایشان را (که با دلایل و برهان های متعددی اثبات شده) خدشه دار کند. پس میان این دو تفاوتی بسیار است. (المرصفي، ۱۴۱۶ ق، ۴۳)

در آیه ... فَبَشِّرْ عِبَادِ (الزمر، ۱۷) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (الزمر، ۱۸) ویژگی اهل هدایت و صاحبان خرد شنیدن سخن و تبعیت از احسن القول ذکر شده است. منظور از قول حسن، قول نیکوتر و به حق نزدیکتر است. نکته دیگر این است که در آیه اشاره ای به گوینده قول نشده است که می توان گفت ارزش قول به ویژگی و میزان قرب آن به حق و صواب تعیین می گردد نه گوینده و قائل آن.

۳. نتیجه گیری

- ادله گروه مخالف در ۴ دسته تقسیم می شود که عبارتند از: عصمت، عدم پایداری و دوام سحر، نسبت ناروا و ایدای پیامبر (ص) و تصدیق مشرکین و کفار و گروه موافق به مقایسه ویژگی انبیا و شرح و توجیه ادله مخالفین تمسک بسته اند.

- میدان اصلی بحث حیطه عصمت است. اشتراکات هر دو گروه، مصون بودن عقل و روان پیامبر (ص) است و اختلاف پیش آمده در حیطه عصمت بدنی است که گروه موافق، مسحور شدن را صرفاً در حیطه تاثیر بدنی دانسته اند. (همانطور که علامه گفته بودند دلیلی بر عصمت بدنی پیامبر (ص) در برابر سحر وجود ندارد).

- عدم پایداری و دوام سحر مورد تایید هر دو گروه است ولی استدلال مخالفین در زمینه پیشگیری از وقوع سحر قانع کننده نیست.

- شکی در فرجام شوم ایدای پیامبر (ص) وجود ندارد و هر دو گروه آن را پذیرفته اند با این تفاوت که گروه موافق به قصد گزارش آن را نقل می کنند و نه والعیاذ بالله تهمت و تحقیر. البته از این نکته نباید غافل بود که ناراحت شدن پیامبر از نقل این گزارش نیازمند دلیل است که از طرف گروه اول ارائه نشده است.

- استدلال مخالفین در تصدیق کفار و مشرکین بر خلاف آیه ۱۸ الزمر است لذا مورد پذیرش نیست.

- ویژگی مشترک میان حضرت محمد (ص) و حضرت موسی (ع)

- گروه مخالف و موافق هر دو دوست دار الله و رسولش و دین مبین اسلام هستند و هر دو برای دفاع از آن گام بر می دارند. نتیجه اعتقاد به عدم امکان سحر شدن پیامبر (ص)، حفظ و صیانت دین از هر گونه شبهه و شائبه است و اعتقاد به امکان سحر شدن پیامبر (ص) حاوی پیامی است به تمامی مخالفین و معاندین اسلام که از هر گونه تلاش جهت از بین بردن این دین دست بردار نیستند، این دین پایدار و استوار است و نتیجه تمامی تلاش مخالفین نتیجه ای جز سرافکندگی ندارد.

- متأسفانه هر دو گروه در بیان مطالب طرف مقابل را با الفاظ ناشایست مورد خطاب قرار داده اند که شایسته اهل

علم و دانشمندان علوم دینی نیست. برخی از مخالفین امکان سحر شدن نبی (ص) طرف مقابل را ظالم و هم سو با فرعون و کفار نامیده و موافقین سحر النبى (ص) طرف مقابل را اهل بدعت، فاسق و مخالف سنت نامیده اند. تبادل چنین الفاظ زیبنده دانشمندانی که خود را تابع و پیرو پیامبری که خداوند او را دارای خلق عظیم وصف کرده، نیست و شایسته است هر دو گروه با احترام به دیدگاه دیگران از وارد کردن اتهام خروج از منهج علمی خود داری نمایند.

- از منظر آیات قرآن و با توجه به ویژگی مشترک میان حضرت محمد (ص) و حضرت موسی (ع)، امکان سحر پیامبر (ص) صرف نظر از وقوع یا عدم وقوع آن، در محدوده تاثیر بر جسم (و نه عقل و روان) وجود دارد.

منابع

-القرآن الکریم

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، دار الفكر، ۱۳۹۹ ق.
۲. ابن قدامه المقدسی، احمد، الکافی فی فقه الامام احمد، بی جا: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
۳. -----، -----، المغنی لابن قدامه، القاهرة، مکتبه القاهرة، ۱۴۳۱ ق.
۴. ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۵. ابن منظور المصری، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ ق.
۶. الالوسی، شهاب الدین، روح المعانی فی تفسیر القرآن الکریم والسبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۷. البخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله و سننه وایامه، تحقیق: جماعه من العلماء، بیروت: دار النجاه، ۱۴۲۲ ق.
۸. الخوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، قم: داوری، ۱۳۷۷ ش.
۹. الدامغانی، حسین بن محمد، واژه نامه وجوه و نظایر در قرآن کریم، تحقیق: طلال سالم ترجمه عبدالجبار غواصی، شیراز: نشر ایلاف، ۱۳۹۸ ش.
۱۰. الرازی، فخرالدین، عصمه الانبیاء، القاهرة: مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۴۰۶ ق.
۱۱. الزحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق: دار الفكر، ۱۴۳۱ ق.
۱۲. الشربینی، عماد السید، رد الشبهات حول عصمه النبی صلی الله علیه و سلم فی ضوء السنه النبویه الشریفه، ۱۴۳۱ ق.
۱۳. -----، -----، کتابات اعداء الاسلام و مناقشتها، مصر: دار الکتب المصریه، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. الشنقیطی، محمد الامین، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، بیروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. الشوکانی، محمد علی، نیل الاوطار، مصر: دار الحديث، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. الطباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. العسقلانی، ابن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۳۱ ق.
۱۹. المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بی جا: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. المراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، مصر: مطبعه مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۶۵ ق.

۲۱. المرصفی، سعد، *حدیث السحر فی المیزان*، الكويت: مكتبة المنار الاسلاميه، ۱۴۱۶ق.
۲۲. المطیری، عبدالمحسن، *دعاوی الطاعنین فی القرآن الکریم فی القرن الرابع عشر الهجري والرد علیها*، بیروت: دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۲۷ق.
۲۳. النووی، محی الدین یحیی، *المنهاج شرح صحیح مسلم بن حجاج*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ق.
۲۴. النیسابوری، مسلم بن حجاج، *الجامع الصحیح*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۱ق.
۲۵. الوادعی، مقبل بن هادی، *ردود اهل العلم علی الطاعنین فی حدیث السحر و بیان بعد محمد رشید رضا عن السلفیه*، صنعاء: دار الآثار، ۱۴۲۰ق.
۲۶. فخر الرازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۷. رستمی، احترام، رضایی هفتادر، حسن، «تحلیل انتقادی آرای گابریل مندل خان درباره مسحور شدن پیامبر (ص)»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، سال ۹، شماره ۳۵، ص ۱۴۷-۱۲۶، ۱۳۹۷ش.
۲۸. زکریا، ابوبکر محمد، *الشک فی القدیم والحديث*، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۲۱ق.
۲۹. سید موسوی، سید حسین، مرتضوی، سید محمد، عبدالله زاه، سید حمزه، «بررسی آرای متکلمان فریقین درباره سحر شدن پیامبر (ص)»، *پژوهش نامه مذاهب اسلامی*، سال ۶، شماره ۱۲، ص ۲۷۰-۲۴۰، ۱۳۹۸ش.
۳۰. -----، «بررسی تطبیقی تاثیر سحر بر پیامبر اسلام (ص) در صحیح بخاری و صحیح مسلم با توجه به شان نزول معوذتین»، *دوفصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی*، سال ۶، شماره ۱۱، ص ۲۷۶-۲۵۴، ۱۳۹۹ش.
۳۱. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۳۲. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸ش.
۳۳. مناهج جامعه المدینه، *الدفاع عن السنه*، المدینه: جامعه المدینه، ۱۴۳۳ق.
۳۴. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر کاشف*، ترجمه دانش موسی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸ش.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی